

مسئولیت مدنی ناشی از قصور ضابطین دادگستری

محمد حسن هادی پور^۱، فخرالله ملائی کندلوس^۲، حامد گلیجانی مقدم^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی غیردولتی شفق تنکابن

^۲ استادیار، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی چالوس

^۳ مربی، گروه حقوق، موسسه آموزش عالی شفق تنکابن

چکیده

ضابطین دادگستری جهت اجرای مهم‌ترین وظیفه خود که همانا حفظ نظم و امنیت است، در صورتی که موجب خساراتی به دیگران اعم از متهم، مجرم، یا اشخاص دیگر شوند، با تحقق شرایطی عهده‌دار مسئولیت مدنی خواهند بود. در مجموع حوادث زیانباری که ضابطین دادگستری در آن مداخله دارند یا از طریق انجام فعل توأم با تقصیر یا انجام فعل بدون تقصیر و یا ترک فعل تحقق می‌یابد. گاهی حادثه زیان‌بار ناشی از ترک فعل از قبیل عدم ابلاغ اوراق اجرایی به نشانی مخاطب، عدم مساعدت به اشخاصی که توسط دیگران در معرض ارتکاب جرم و جنایت واقع می‌شوند یا عدم کنترل بازداشت‌شدگان یا متوقف نمودن وسایل نقلیه معیوب و رانندگان است. در این موارد با وجود شرایطی به موجب قاعده تسبیب در مقابل زیان‌دیده عهده‌دار جبران خسارت خواهند بود. گاهی ممکن است عدم انجام وظایف محوله، موجبات وقوع حوادث زیان‌بار و ایراد خسارت به اشخاصی حقیقی و حقوقی و در نتیجه سبب تحقق مسئولیت کیفری یا مدنی برای کارکنان و یا سازمان ضابطین دادگستری را فراهم آورد. در این مقاله با گذری اجمالی بر قواعد، مبانی و منابع عام و خاص مسئولیت مدنی ضابطین دادگستری مورد توجه قرار گرفته است و مصادیق قانونی مسئولیت مدنی ناشی از قصور ضابطین دادگستری با بررسی مواد مرتبط در قانون اساسی، مجازات اسلامی، مسئولیت مدنی، شیوه‌های جبران خسارت، قانون به‌کارگیری سلاح و قانون مدنی، مورد بحث و بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: ضابطین دادگستری، تقصیر، مسئولیت مدنی، جبران خسارت.

مقدمه

امروزه پرونده‌های متعددی در خصوص مسئولیت مدنی ضابطین دادگستری در محاکم تشکیل ولی برای تعیین مسئولیت مدنی آن‌ها رویه واحد و مشخصی حاکم نیست و حتی گاهی احکام دادگاه‌ها بدون توجه به مبانی و قواعد مسئولیت مدنی در این موارد صادر می‌شود. بی‌گمان در چنین وضعیتی که رسیدگی به این امور توأم با ابهام است، اهداف آرمانی وضع قوانین مسئولیت مدنی، نمی‌تواند محقق شود. برای تحقق این امر مهم باید قواعد حقوقی مسئولیت مدنی و وظایف و اختیارات ضابطین دادگستری و حوادث زیان باری که در عمل اتفاق می‌افتد بررسی گردد. به عبارت دیگر در مقام مقایسه، خسارت وارده از سوی ضابطین دادگستری، شهروندان را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد و ممکن است که اطمینان و اعتماد جامعه به تمامی ضابطین و حتی واژه مقدس عدالت دچار تزلزل گردد. پس ضروری است که حدود و ثغور مسئولیت مدنی آن‌ها و شرایط جبران خسارت‌هایی که از سوی آنان به وقوع می‌پیوندد روشن شود. بررسی این موضوع ضرورت پیدا می‌کند که بنا به موقعیت شغلی و وظایف قانونی که ضابطین بر عهده‌دارند تبیین شود که قواعد عام مسئولیت مدنی در خسارت وارده توسط آن‌ها حکومت می‌کند یا آنکه قواعد ویژه نیز در این مورد لازم و ضروری است و اگر مقررات ویژه ای برای مسئولیت مدنی ضابطین حاکم شود آیا این قواعد

بایستی در جهت تشدید مسئولیت او تنظیم شود یا تخفیف چنین مسئولیتی؟

گاهی مسئولیت ضابطین عرفاً منتسب به سازمان او باشد نه خود ضابط، در این مورد نیز امکان مسئولیت تضامنی آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. در قانون مجازات اسلامی و جرائم نیروهای مسلح عمدتاً به مسئولیت مدنی ضابط در قبال سازمان متبوع اشاره ولی به مهم‌ترین امر که همانا مسئولیت مدنی ضابطین در قبال شهروندان است، اشاره کاملی نشده است. با توجه به تعریفی که از مسئولیت مدنی شده است، مسئولیت در مقام خسارتی که شخص یا اشیا تحت حراست وی به دیگری وارد می‌کند و هم چنین مسئولیت شخص بر اثر تخلف از انجام تعهد‌های ناشی از قرارداد است.

روش تحقیق

این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از قوانین جدید و منابع حقوقی معتبر انجام شده است.

مفاهیم و اصطلاحات

معنای لغوی و اصطلاحی ضابطین دادگستری

ضابط در لغت به معنای (فراهم آورنده، نگاه دارنده چیزی، آنکه ضبط مدینه و سیاست آن را از طریق سلطان آورده شده است). دادگستری نیز در لغت به معنای وزارتخانه یا اداره ای که به امور خصوصی رسیدگی می‌کنند، سابقاً عدلیه می‌گفتند بیان شده است.

قانون آیین دادرسی کیفری ضابطین دادگستری را این طور تعریف کرده است:

ضابطین دادگستری مأمورینی هستند که تحت نظارت و تعلیم‌های مقام قضائی درکشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیم‌های قضائی به موجب قانون اقدام می‌نمایند.

الف) ضابطین عام و خاص دادگستری

ضابطین عام: به کسانی که در مورد کلیه جرائم، صلاحیت اقدام دارند و وظایف و اختیارات آنها محدود به جرائمی معین یا شرایط خاصی نیست تعریف شده که این نیرو را موظف به همکاری با قوه قضائیه و اجرای دستورهای مقام قضایی در زمینه کشف جرم، جلوگیری از فرار مجرم، دستگیری مجرم، ابلاغ و اجرای احکام قضایی به شرح ذیل نموده است: ۱. مبارزه با مواد مخدر ۲. مبارزه با قاچاق ۳. مبارزه با منکرات و فساد ۴. پیشگیری از وقوع جرائم ۵. کشف جرائم ۶. بازرسی و تحقیق ۷. حفظ آثار و دلایل جرم ۸. دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفای آنها ۹. اجرا و ابلاغ احکام قضایی.

ضابطین خاص: ضابطینی هستند که صلاحیت دخالت آنها محدود به جرائم خاص یا شرایطی معین است و در غیر از آن جرائم یا بدون تحقق آن شرایط، حق مداخله و اقدام ندارند. حال این سؤال در ذهن متبادر می‌گردد که آیا ضابط شناخته شدن این افراد در زمینه خاص، صلاحیت دخالت و اقدام ضابطین عام در این حوزه را نفی یا محدود می‌کند؟ در پاسخ باید گفت که: (ضابطین عام در همه حال ضابط دادگستری محسوب و ضابطین خاص، اقدام ضابطین عام را محدود و یا نفی نمی‌کنند).

فعل زیان بار

منظور از فعل زیان بار اعم از فعل مثبت و منفی است به عبارت دیگر، ترک فعل زیان بار نبرد روزمره افعال زیان بار است و می‌تواند به عنوان رکن دوم مسئولیت مدنی مورد ارزیابی قرار گیرد. از مفهوم تقصیر نیز می‌توان به این نتیجه دست یافت. اگر تقصیر شامل دو نوع تعدی و تفریط در نظر گرفته شود، می‌توان گفت که تعدی فعل مثبت و تفریط فعل منفی است که در مسئولیت مدنی مصداق می‌یابد. در خصوص مسئولیت مدنی ضابطین باید گفت که اصولاً چنین مسئولیتی مبتنی بر تقصیر است. پس در بررسی فعل زیان بار به عنوان رکن دوم مسئولیت مدنی ضابطین، می‌توان معیار تقصیر را برای چنین افعالی در نظر گرفت.

وظایف ضابط قضایی

ضابطین قضایی، بنا بر عام یا خاص بودن و مقامی که دارا می‌باشند، می‌توانند وظایف متفاوتی، از جمله دستگیری متهم برای جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم یا فرار متهم داشته باشند؛ قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ به وظایف ضابطین به طور کلی اشاره کرده است که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

۱. مطابق ماده ۳۵ قانون مذکور، ضابطین، ملزم به انجام وظایف خود، اعم از ارائه گزارش یا اجرای دستورات مقام قضایی، در اسرع وقت می‌باشند و در صورتی که بنا به شرایط موجود نتوانند انجام وظیفه نمایند، موظف هستند تا پایان مدت تعیین شده، گزارش کار را همراه با ذکر علت، به اطلاع مقام قضایی برسانند.
۲. طبق ماده ۳۷، ضابطین قضایی، موظف به دریافت گزارش‌های کتبی و شفاهی، بدون محدودیت زمانی هستند؛ گزارش‌های شفاهی نیز باید در صورت مجلس قید شود و به امضای شاکی برسد. بعد از ثبت گزارش، ضابط قضایی موظف است، بدون فوت وقت، آن را به دادستان ارجاع دهد.

۳. مطابق ماده ۳۸، ضابطین قضایی وظیفه دارند، شاکی را از حقوقی که دارد مطلع سازند، به این معنا که به شاکی تفهیم کنند می تواند از حقوقی مانند درخواست جبران خسارت و بهره مندی از خدمات مشاوره و سایر کمک های حقوقی بهره مند شود.
۴. طبق ماده ۳۹، ضابطین قضایی باید اظهارات شاکی در خصوص ضرر و زیان وارد شده را حتما در گزارش خود ذکر کنند و آن را به اطلاع مقام قضایی مربوطه برسانند تا رسیدگی های لازم در خصوص آن انجام گیرد.
۵. در ماده ۴۳، آمده است، در صورتی که شواهد موجود، باعث ایجاد شک در وقوع یا عدم وقوع جرم شود، ضابطین وظیفه دارند، تحقیقات اولیه را در راستای مشخص شدن واقعیت انجام دهند و نتیجه آن را طی گزارشی به دادستان تحویل دهند تا در صورت صلاحدید دادستان، تحقیقات تکمیلی در خصوص موضوع انجام گیرد.
۶. در ماده ۴۴، به وظیفه ضابط قضایی، در خصوص رسیدگی به جرائم مشهود اشاره شده است؛ مطابق این ماده اگر ضابط قضایی به وقوع جرم مشهودی علم پیدا کند، باید سریعا و بدون فوت وقت، تمامی اقدامات لازم از جمله دستگیری متهم و ضبط وسائل جرم را انجام دهد.
۷. در خصوص مواجهه ضابط قضایی با جرم غیر مشهود نیز، با توجه به ماده ۴۴، ضابط باید سریعا به مقام قضایی مراجعه کند و با ارائه گزارش از وضع پیش آمده، از مقام قضایی کسب تکلیف نماید تا وی در صورت لزوم، حکم به پیگیری و انجام بررسی های لازم را صادر کند. جرائم مشهود و غیر مشهود در ماده ۴۵ همین قانون مشخص شده اند.
۸. در ماده ۴۷ حکم شده، ضابط قضایی وظیفه دارد نتیجه اقدامات خود را به اطلاع مقام قضایی برساند و در صورت نیاز برای تکمیل تحقیقات یا اقدامات انجام شده، از دادستان کسب تکلیف کند.
۹. مطابق مواد ۵۲ و ۵۳، ضابط قضایی وظیفه دارد، گزارشی از اعترافات متهم، زمان و مکان دستگیری او را به مقام قضایی تحویل دهد. همچنین، هنگام دستگیری باید حقوق متهم را به وی، تفهیم و به صورت مکتوب، از او رسید دریافت نمایند. از مواد ذکر شده می توان نتیجه گیری کرد، وظایف ضابطین قضایی، می تواند در برگیرنده هر اقدامی باشد که در قانون، تحت عنوان وظایف ضابط قضایی، توسط قانون گذار، به آن حکم شده است؛ و همچنین تمام مواردی که مقام قضایی مافوق ضابط، انجام آن ها را به او دستور دهد.

محدودیت های ضابط قضایی

- قانون گذار، علاوه بر تعیین وظیفه برای ضابط قضایی و در نظر گرفتن اختیارات برای او، در مواردی نیز بنا به صلاحدید، محدودیت هایی را برای ضابطین پیش بینی کرده است. علت این محدودیت ها را می توان حساسیت زیاد این جایگاه دانست. ضابطین قضایی، به سبب ارتباط مستقیم با مردم، در صورت سرپیچی از قوانین و عمل نکردن به دستورات، ممکن است حقوق شهروندی افراد را تضییع کنند. در ادامه به بررسی این محدودیت ها می پردازیم.
۱. مطابق ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطین، اجازه افشای اطلاعاتی که مربوط به مسائل شخصی بزه دیده، شهود، مطلعان و سایر اشخاص می شود، مانند هویت و محل اقامت آن ها را ندارند. مگر در مواردی که قانون تصریح کرده است.
 ۲. ماده ۴۱ قانون مذکور، به یکی از محدودیت های ضابطین اشاره می کند که ضابطین قضایی صلاحیت اخذ تامین از متهم را ندارند؛ و در صورتی که نیاز به اخذ تامین باشد، باید با ارجاع دلایل خود به مقام قضایی، خواستار صدور دستور اخذ تامین توسط مقام قضایی شوند.

۳. مطابق ماده ۴۲ بازجویی از زنان و کودکان نا بالغ نباید توسط ضابطین مرد انجام گیرد؛ در این ماده، قانون گذار حکم کرده است، بازجویی از زنان و افراد نا بالغ باید توسط ضابط قضایی زن که آموزش های لازم را دیده است، انجام شود.

۴. در ماده ۴۶، آمده است، ضابط قضایی اجازه ندارد، متهم را بیشتر از یک شبانه روز یا به عبارتی ۲۴ ساعت، تحت تعقیب کیفری قرار دهد و تنها در صورت تشخیص و دستور دادستان، می تواند این مدت را افزایش دهد.

همان طور که گفته شد قانون گذار برای نظارت بیشتر بر ضابطین قضایی، وظایف و محدودیت هایی برای آنان تعیین کرده است. ضابط در صورت سرپیچی از این وظایف و محدودیت ها به موجب قانون، مورد مواخذه قرار گرفته و در موارد لازم، مجازات می شود.

مسئولیت مدنی ناشی از ترک فعل ضابطین قضایی

ترک فعل به معنی ترک وظیفه ای است که به موجب قانون یا قرارداد یا وظیفه شغلی بر عهده شخصی است. در برخی از کتب حقوقی مورد یاد شده فوق ترک فعل زیر عنوان تقصیر در خودداری یا امتناع ذکر گردیده است. مبنای مسئولیت ناشی از ترک فعل در حقوق ایران قاعده تسبیب است؛ بنابراین عدم انجام وظایف شغلی و سازمانی که از طرف سازمان زیربند بر عهده معمولی محول شده و نامبرده از انجام آن امتناع می نماید اگر منجر به خسارت گردد بر اساس قاعده تسبیب موجب مسئولیت می گردد. رکن اصلی تقصیر در ترک فعل موظف بودن شخص نسبت به آن است؛ به عبارت دیگر اگر شخصی مکلف و موظف به انجام فعل یا وظیفه ای باشد و آن را ترک کند به عنوان تقصیر محسوب می گردد و در صورتی که ترک فعل مذکور منجر به خسارت به دیگری گردد موجب مسئولیت او خواهد گردید.

مبنای قانونی مسئولیت ناشی از ترک فعل در حقوق ایران

شرط لازم برای مسئولیت ناشی از ترک فعل تقصیر است. تقصیر در این مورد وقتی محقق می شود که شخصی عهده دار وظیفه ای باشد و از انجام آن امتناع نماید. مبنای لزوم تقصیر در مسئولیت مدنی مقررات قانونی به شرح ذیل است:

ماده ۳۳۱ قانون مدنی: هرکس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت برآید.

این ماده از نظر حقوقی به تسبیب مصطلح گردیده که عینا در قانون مجازات اسلامی در مورد صدمات جانی تکرار گردیده است. علاوه بر این، ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی در این مورد بیان می دارد: «هرکس بدون مجوز قانونی عمدا یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به ره حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد.» هرچند در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، قانونگذار، صراحتا عباراتی را به کار برده که مبین تقصیر است، ولی در ماده ۳۳۱ قانون مدنی، تقصیر یا عبارات مشابه به کار نرفته است؛ اما با توجه به اینکه تقصیر در مفهوم تسبیب نهفته است به عبارت دیگر تا وقتی کسی مقصر و خطا کار نباشد نمی توان او را سبب شمرد. (عباسلو، ۱۳۸۶: ۵۱) بنابراین، ماده فوق نیز مبتنی بر تقصیر است. همچنین قانونگذار، صراحتا در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی از تقصیر کارمندان دولت نام برده است. به موجب این ماده کارمندان دولت و شهرداری و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمدا یا در نتیجه بی احتیاطی، خسارتی به اشخاص وارد نمایند، شخصا مسئول جبران خسارات وارده می باشند؛ ولی هر گاه خسارات وارده

مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد؛ در این صورت، جبران خسارت برعهده اداره و مؤسسات مربوطه است؛ ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تامین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود. باتوجه به اینکه کارمندان دولت در این ماده به صورت عام به کار رفته است؛ بنابراین، شامل مأمورین پلیس نیز می‌گردد. مسئولیت مدنی در این ماده مبتنی بر تقصیر است و مسئولیت بدون تقصیر مورد توجه قرار نگرفته است. تقصیر اعم است از عمد و بی‌احتیاطی. مقصود از تقصیر در این ماده تقصیر شخصی کارمند است نه خطای اداری و باید خساراتی را که از خطاهای شخصی کارمندان به بار آمده از ضررهای ناشی از خطای اداری آنان تفکیک کرد. معیار چنین تفکیکی را می‌توان تکلیف اداره یا دستگاه دولتی در مراقبت دانست؛ یعنی در موردی که سازمان دولتی باید بر اعمال کارمند خود مراقبت بیشتری نماید، اگر عدم انجام این وظیفه موجب تقصیر کارمند و ایراد خسارت به دیگری گردد چنین خسارتی ناشی از خطای اداره تلقی می‌گردد. ولی در غیر این مورد که سازمان دولتی چنین تکلیفی ندارد خطا، قابل انتساب به کارمند می‌باشد و نامبرده شخصاً مسئول خواهد بود؛ بنابراین اگر مأمورین نیروی انتظامی در انجام وظایف محوله بدون تقصیر، موجب ورود خسارت به دیگری گردند براساس ماده مذکور نمی‌توان برای آنها مسئولیت قائل شد.

مبنای لزوم تقصیر در مسئولیت مدنی مقررات قانونی به شرح ذیل است:

قانونگذار در ماده ۳۳۱ قانون مدنی هر فردی را که مسبب ضایع شدن مالی می‌گردد مسئول می‌داند و عنوان می‌دارد که شخص می‌بایست از طریق دادن مثل یا قیمت عهده‌دار تلف یا نقصی که در مال به وجود آمده باشد. حقوقدانان این ماده را به تسبیب مصطلح کرده‌اند که این در قانون مجازات اسلامی در مورد صدمات جانی تکرار گردیده است. مورد دیگر ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی است که عنوان می‌دارد هر فردی که به صورت غیرمجاز عمداً یا سهواً یا اینکه جانب احتیاط را رعایت ننماید و موجب ورود ضرر و زیان اعم از معنوی و مادی به خود شخص حیثیت و یا شهرت تجارتي و یا هر حق دیگری گردد تکلیف به جبران دارد. هر چند در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی قانون گذار صراحتاً عباراتی را به کار برده که مبین تقصیر است ولی در ماده ۳۳۱ قانون مدنی تقصیر یا عبارات مشابه به کار نرفته است؛ اما با توجه به اینکه تقصیر در مفهوم تسبیب مستتر است به عبارت دیگر تا وقتی کسی مقصر و خطاکار نباشد نمی‌توان او را سبب شمرد.

مصادیق ترک فعل ضابطین دادگستری

- عدم مساعدت به اشخاصی که توسط دیگران در معرض ارتکاب جرم و جنایت واقع می‌شوند یا عدم کنترل بازداشت‌شدگان یا متوقف نمودن وسایل نقلیه معیوب و رانندگان فاقد صلاحیت
- فعل منفی: مقصود از فعل منفی، ترک فعلی است که به موجب قانون یا قرارداد یا شغل بر عهده‌ی شخص است. به عنوان مثال به موجب ماده واحده قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین تکلیف قانونی مبنی بر کمک به مصدومین برای کلیه اشخاص مقرر شده است.
- عدم ابلاغ اوراق اجرایی به نشانی مخاطب
- عدم انجام وظایف قانونی

موارد مسئولیت مدنی ناشی از ترک فعل ضابطین دادگستری:

۱. مسئولیت مدنی ناشی از کوتاهی در حمایت افراد توسط ضابطین دادگستری؛
۲. مسئولیت مدنی ناشی از کوتاهی در مالکیت اشیای اموال و تجهیزات؛
۳. مسئولیت ناشی از عدم مواظبت و نگه داری از اشخاص که تحت نظر یا بازداشت شده اند؛
۴. مسئولیت ناشی از عدم رعایت (ترک فعل) حقوق شهروندی و نقض حریم خصوصی.

واسطه بودن ترک فعل (قاعده تسبیب)

ترک فعل همواره با واسطه موجب خسارت می‌گردد. به عنوان مثال اگر مسئول بازداشتگاه از اعزام بازداشتی به مراکز درمانی خودداری ورزد و در اثر بیماری فوت نماید؛ فوت بازداشتی به طور مستقیم به مأمور منتسب نمی‌شود بلکه فعل او از مصادیق تسبیب است.

ترک فعل هیچ‌گاه منجر به اتلاف مال دیگری نمی‌شود بلکه صرفاً می‌تواند منجر به ایجاد سبب تلف مال دیگری شود.

عنصر مادی ترک فعل

منظور از عنصر مادی، انجام ندادن کاری است که منجر به ورود خسارت به زیان‌دیده می‌شود و در اصطلاح آن را ترک فعل می‌نامند. هرگاه فعل به صورت غیرمستقیم (تسبیب) منجر به ایراد خسارت شود مسئولیت‌آور است اما ترک فعل چنانچه منجر به خسارت شود در صورتی تقصیر به حساب می‌آید که عرف انجام دادن آن فعل را ضرری بداند.

تقصیر

تقصیر سلبی عبارت از ترک فعل است که عمدتاً به شکل ترک وظیفه قانونی و اداری محقق می‌شود. گاهی در اثر تقصیر اداری (ترک فعل و یا فعل منفی) حادث می‌شود که در هر دو صورت موجب مسئولیت مدنی مأمور است و مأمور باید از عهده‌ی جبران خسارت برآید. خساراتی که از تقصیرات منفی (ترک فعل) کارکنان ناشی می‌شود مثل زیان وارده به اموال فاسد شدنی در اثر توقیف ناصحیح خودرو از جانب مأمور راهنمایی و رانندگی.

ترک وظیفه ناشی از قانون

عدم اجرای وظیفه ناشی از قانون در پرونده «دیتام»، در سال ۱۹۷۹، مطرح شد که طی آن مأمور پلیسی که به دلیل جلوگیری نکردن از کتک خوردن کسی توسط دیگری موجب مرگ وی شده بود به ارتکاب جرم سوءرفتار از سوی مأمور دولت محکوم شد. به نظر دادگاه، علی‌رغم این که «سوءرفتار» به فعل مثبت اشاره دارد، این جرم که حداکثر مجازات آن حبس ابد است، با خودداری از انجام وظیفه و ترک فعل نیز قابل ارتکاب است.

عدم انجام دستورات مقام قضایی (ترک فعل)

دستورهای مقام قضایی به ضابطان دادگستری به صورت کتبی، صریح و با قید مهلت صادر می شود. در موارد فوری که صدور دستور کتبی مقدور نیست، دستور به صورت شفاهی صادر می شود و ضابط دادگستری باید ضمن انجام دستورها و درج مراتب و اقدامات معموله در صورت مجلس، در اسرع وقت و حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت آن را به امضای مقام قضائی برساند. جرم عدم اجرای وظیفه قانونی (ترک فعل) متفاوت است و مجازات آنها بر اساس نحوه و شرایط ترک فعل در نظر گرفته خواهد شد. در این موارد متهم دادگاهی و بر اساس دفاعیات و محتویات پرونده برای وی مجازات در نظر گرفته خواهد شد.

بحث و نتیجه گیری

در خصوص مسئولیت مدنی پلیس به عنوان قاعده ای کلی می توان گفت: در هر مورد که پلیس اقدام غیر مجاز یا توأم با خطایی انجام دهد و اقدام مذکور موجب خسارت به اشخاصی که خود در ایجاد حادثه دخالت مؤثری نداشته اند، شود، عهده دار جبران خسارت خواهد بود. علاوه بر این، مواردی که با عنوان عوامل زائل کننده مسئولیت مدنی مطرح گردیده و با نگرشی کاربردی به فعالیت های پلیسی بررسی شده است. یکی از موارد مهمی که در حقوق سایر کشورها رافع مسئولیت مدنی است، پذیرش خطر توسط زیان دیده است که در حقوق کامن لا به عنوان یکی از قواعد رافع مسئولیت مدنی مطرح گردیده است. به موجب آن اگر فردی خود، خطر زیان یا خسارت یا صدمه را پذیرا باشد یا به تعبیر دیگر خود را در معرض خسارت قرار دهد، نمی تواند علیه کسی که موجب خسارات وارده به او شده یک دعوی توأم با موفقیت مطرح نماید. این اصل را در رفع مسئولیت مدنی پلیس نیز به کار برده اند، مخصوصاً در موردی که فردی در مقابل دستور پلیس فرار نماید؛ در این صورت فرار او به پذیرش خطر توسط نامبرده تعبیر می شود و باید هر گونه خسارت و صدمه را خود تحمل نماید.

به نظر می رسد این اصل عام تر از قاعده اقدام در حقوق ایران است؛ زیرا اعمال قاعده مذکور منوط به عدم تقصیر وارد کننده خسارت می باشد؛ در حالی که اصل پذیرش خطر توسط زیان دیده شامل موردی که عامل حادثه زیانبار، تقصیر داشته باشد نیز می گردد، از جمله در موردی که پلیس نسبت به تعقیب مجاز نباشد، ولی همین که در مقابل تقاضای پلیس مبنی بر بازرسی یا دستگیری، فرار نماید و پلیس بعد از اخطار به سوی او تیراندازی کرده یا دچار حوادث دیگر شود، پلیس فاقد مسئولیت است. فلسفه چنین قاعده ای ترجیح حفظ نظم و امنیت نسبت به حقوق فردی است. هر چند پلیسی که چنین اقدامات غیر مجازی می کند از نظر اداری، مسئول می باشد و به موقع و متناسب با تخلف صورت گرفته با او برخورد می شود، ولی فاقد مسئولیت مدنی است. این وضعیت باعث می شود پلیس بدون هیچ گونه محافظه کاری به عنوان مجری مستقیم نظم و امنیت از آن حراست نماید.

منابع

۱. باریکلو، علیرضا، مسئولیت مدنی، نشر میزان، چاپ سوم، تهران، تابستان ۱۳۸۹
۲. بهرامی احمدی، حمید، حقوق مدنی، مسئولیت مدنی، چاپ اول، نشر میزان تهران، تابستان ۱۳۸۸
۳. پاتریس ژوردن، ترجمه مجید ادیب، اصول مسئولیت مدنی، نشر میزان تهران، ۱۳۸۲
۴. شعاریان، ابراهیم؛ جباری، منصور، مسئولیت مدنی ضابطین دادگستری، انتشارات فروزش، چاپ اول، تبریز، ۱۳۸۸
۵. قاسم زاده، مرتضی، الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرار داد، انتشارات میزان ۱۳۸۷.
۶. کاتوزیان، ناصر، وقایع حقوقی، مسئولیت مدنی، ویرایش جدید، شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، تهران ۱۳۸۹
۷. گل برارزاده شیرتبار، علی، بررسی اصول و مبانی فقهی، مسئولیت مدنی، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱
۸. لوراسا، میشل، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتری، تهران: نشر حقوقدان، ۱۳۷۵.
۹. ملک زاده، سلیمان، مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر ضابطین دادگستری، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران ۱۳۸۹
۱۰. ملک زاده، سلیمان، مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر ضابطین دادگستری، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران ۱۳۸۹